



چین در خاورمیانه ازدهای محتاط

مؤسسه رند طی پروژه «محورهای چین در خاورمیانه» اقدام به انتشار پژوهشی به نام «چین در خاورمیانه ازدهای محتاط» در مه ۲۰۱۶ کرد تا به بررسی نقش اقتصادی، سیاسی و نظامی چین در خاورمیانه بپردازد.

این پژوهش به بررسی نقش‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی چین در خاورمیانه پرداخته و بر روابط چین با عربستان سعودی و ایران تمرکز می‌کند. همچنین پژوهش حاضر، به بررسی این مسأله می‌پردازد که چین در خاورمیانه چه اهدافی را دنبال می‌کند و نیز چرایی آن را مورد واکاوی قرار می‌دهد. خاورمیانه که روزگاری پکن آن را منطقه‌ای حاشیه‌ای و نسبتاً کم‌اهمیت در جهان تلقی می‌کرد، اکنون در محاسبات امنیت ملی چین حضوری پررنگ‌تر پیدا کرده است. علاقه و دخالت بی‌سابقه پکن در خاورمیانه این پرسش را پیش می‌آورد که انگیزه و محرک این اقدام چیست. چه چیزی توجه فزاینده چین به خاورمیانه را توضیح می‌دهد و تبعات این تحول برای ایالات متحده کدام‌اند؟

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند که منافع اقتصادی و همچنین تلاش برای تجدید موازنه بین سیاست‌های داخلی، خارجی و امنیتی، محرک اصلی پکن است، به نحوی که این سیاست‌ها به سود شرق چین و شرق آسیا متمایل شوند. علاقه و تعامل روزافزون در خاورمیانه، بازتاب وابستگی فزاینده به منابع انرژی این منطقه و تلاش‌های چین برای پیشروی به غرب و آسیای میانه و ورای آن است. با آغاز طرح راه ابریشم جدید که شی جین پینگ در سپتامبر ۲۰۱۴ رسماً آن را اعلام کرد، استراتژی خاورمیانه‌ای پکن در چارچوب تلاش سفت‌وسخت و شدیداً جاه‌طلبانه برای ساخت یک کمربند راه ابریشم هوایی و راه ابریشم دریایی قرار گرفت که چین را به خاورمیانه و ماورای آن پیوند می‌دهد. اگرچه مقابله با ایالات متحده را نیز می‌توان به‌عنوان یک عامل محسوب نمود، اما محرک اصلی استراتژی خاورمیانه‌ای چین نیست.

این گزارش توصیه می‌کند که ایالات متحده از برخی تعاملات امنیتی رو به گسترش چین در خاورمیانه استقبال کند. در واقع، با توجه به اهمیت تعیین‌کننده منطقه برای اقتصاد چین و قدرت فزاینده آن، باید پکن پذیرفته شود. با این حال، پکن علاقه چندانی به گسترش سطح همکاری امنیتی خود با ایالات متحده و دولت‌های خاورمیانه‌ای ندارد، زیرا نگران است که درگیر تنش‌ها و مناقشات منطقه‌ای شود. چین بیمناک است که دخالت امنیتی بیشتر، جایگاه قابل توجهش را به عنوان یک قدرت خارجی دارای روابط حسنه با دولت‌های بزرگ خاورمیانه، مخدوش سازد. چین بیم آن دارد که عملگرایی دیپلماتیک و تعامل امنیتی بیشتر در منطقه به قیمت خون، خزانه و شهرتش به عنوان دوست همگان و دشمن هیچکدام تمام شود. تمرکز این مطالعه بر روابط پکن با ریاض و تهران، ابعاد و تأثیر تعامل بیشتر چین را در منطقه توضیح می‌دهد، اما در عین حال بر محدودیت‌های واقعی استراتژی خاورمیانه چین نیز انگشت می‌گذارد. پکن، استراتژی

اژدهای محتاط را در قبال منطقه اتخاذ کرده است.

همکاری امنیتی گسترده چین و عربستان سعودی - توسعه روابط اقتصادی جدی، روابط دیپلماتیک متعادل اما صمیمانه و تعاملات نظامی محدود - لزوماً زنگ خطری برای ایالات متحده نخواهد بود. این همکاری می‌تواند سودمند بوده و به محیط منطقه‌ای باثبات‌تر کمک کند. همکاری امنیتی بیشتر چین با ایران در دسرساز است، اما جز رزمایش دریایی اخیر چین و ایران در خلیج فارس، هیچ نشانه و دلیل دیگری وجود ندارد که چین متعهد به ایجاد اتحاد با تهران شده باشد. بعید است که چین، حتی در صورت افزایش تنش‌ها بین ایالات متحده و چین بر سر خاورمیانه، برای سلطه و تفوق بر منطقه تلاشی انجام دهد. در عوض، ثبات در خاورمیانه می‌تواند محلی برای تعامل بیشتر ایالات متحده - چین باشد که در نهایت شاید به کاهش تنش‌های فزاینده در شرق آسیا کمک کند. در سطح استراتژی کلان، واشنگتن باید یک استراتژی دوبرخشی اتخاذ کند که در آن هم به پکن و هم به خاورمیانه پرداخته شود. نخست، ایالات متحده باید چین و دیگر قدرت‌های آسیایی را تشویق کند که درگیر تلاش‌ها برای افزایش ثبات منطقه‌ای شوند. دوم، واشنگتن باید تلاش کند که مجدداً به شرکایش تعهد امنیتی پایدار خود به آن منطقه را خاطر نشان سازد.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این مقاله، روی لینک زیر کلیک کنید.